

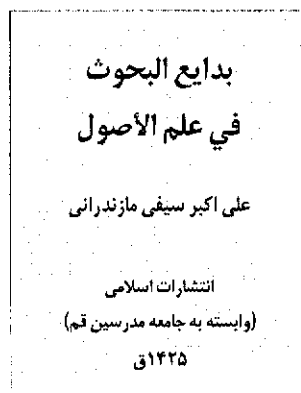
معرفی های اجمالی

کنار انبوه تقریرات، گاه آثاری رخ می نمایند که تمامی آموزه های اصولی را به بررسی و کاوش می گیرند و تحریری نو از این دانش به دست می دهند. کتاب چهارجلدی بدائع البحوث فی علم الأصول از همین شمار است:

تحریر نو از دانش اصول فقه با تأکید بر کلیت بحث، سیر تاریخی، تطبیق قواعد با احکام و کاربردهای آنها و نیز توجه اکید و تأکید فراوان بر قواعد نو پدید عقلی- اصولی که در استنباط حکم فقهی تأثیر فراوانی دارند. نگارنده در مقدمه کوتاه این کتاب گفته است:

«در زمان های متأخر مجموعه ای از قواعد و مسائل عقلی به دانش اصول افزوده شده است که امروزه بی تردید از شمار مسائل مسلم این دانش به شمار می روند؛ حال آنکه در استنباط به صورت مستقیم نقش آفرین نیستند، بلکه مقدماتی هستند عقلی و به دور از قیاس استنباط و تحصیل حجت. در مسیر تحقیق به این امر پی بردم که مسائل فراوانی وجود دارند که بزرگان دین و دانش به ویژه متأخران، آنها را کبرای استدلال خویش ساخته اند و مبانی اجتهادی و فتاوی شرعی خویش را بر آنها استوار کرده اند. این قواعد را، از این جهت که نتایج آنها از احکام فرعی کلی نمی باشند، نمی توانند در شمار قواعد فقهی جای گیرند، بلکه بایستی آنها را از شمار مسائل اصول دانست؛ زیرا زمینه ساز حصول حجت در احکام فرعی کلی اند. با این همه، در مباحث

بدائع البحوث فی علم الأصول [ج ۴]. علی اکبر سیفی مازندرانی، چ ۱، قم، انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین قم)، ۱۴۲۵ق.



اجتهاد و گشوده بودن باب آن، از مهم ترین ویژگی های مذهب پویای تشیع است و همواره بر پویایی و بالندگی و حیات آن افزوده است. عالمان شیعه با بهره بردن از این امکان علمی توانسته اند در عرصه اجتهاد حماسه های چشمگیری بیافرینند و آثار گران سنگ و پر بهایی پدید آورند.

در ده های اخیر و به برکت فراهم شدن زمینه و بستر مناسب، شاهد نشر آثار پربرگ و پربرکتی درباره اصول فقه بوده ایم که برخی از آنها تقریرات دروس استادان متأخر بوده است. این تقریرات اصولی و حتی فقهی، آوردگاه علمی چشم نوازی شد برای تماشای تضارب آرا و تعاطی افکار دین پژوهان شیعی. در



اصولی نشان و اثر فراوانی ندارند؛ در حالی که در استنباط دخل و تأثیر چشمگیری دارند و در اجتهاد سخت مورد نیازند. از دیرباز در صدد جمع‌آوری این قواعد اساسی بوده‌ام...».

نویسنده با این سخن وارد بحث دراز دامن اصول می‌شود و پس از تعریف آن، محورهای اصول را با دیدگاه خویش بررسی می‌کند. در جلد نخست مباحث دلالت‌ها، مباحث لغوی، صحیح و اعم، اراده، ملاک‌های احکام و تعلیل‌های شرعی، حکم، انواع حکم، نقش عرف در استنباط احکام، و سرانجام بحث نقش زمان و مکان در اجتهاد فقهی را طرح می‌کند.

در جلد دوم، و پیش از ورود به مباحث اصولی، نویسنده ضرورت مقدمه و مباحث مقدمه‌ای را احساس می‌کند و چند صفحه‌را، هر چند باز کوتاه و شتاب‌زده، می‌نگارد. وی در این مقدمه عوامل مؤثر در تحصیل ملکه اجتهاد و توان تفقه را بر می‌شمارد: آشنایی با «فقه اللغه» عربی، آشنایی با صرف و نحو، آشنایی با قواعد رجالی و درایة الحدیث، تسلط کامل بر قواعد اساسی فقه، و سرانجام تسلط کامل بر قواعد و مسائل اصولی. وی هر یک را در چند سطر بیان می‌کند و در ادامه باز می‌گوید: «... در گذر سال‌های پژوهش به مسائلی برخوردیم که بزرگان دانش، به ویژه متأخران، در فتاوا و اجتهادات خود از آنها بهره گرفته‌اند...» و می‌افزاید که این مسائل بیش از آنکه فقهی باشند، در دانش اصول تأثیر گذارند و در تحصیل حجت نقش آفرین‌اند.

وی در جلد دوم، علاوه بر آنکه از قواعد نسبتاً نوپدید سخن می‌گوید، آرا و دیدگاه گذشتگان را نیز طرح می‌کند؛ کسانی چون: سید مرتضی، شیخ مفید، علامه و مانند اینها. وی با طرح این دیدگاه‌ها، شاه‌بیت سخنشان را نیز بیان می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه رأی فقهی آنها برداشت می‌شود. از جمله مسائلی که چنین عالمانی بدان‌ها تأکید می‌ورزیدند، پرهیز شدید از ورود به مباحث عقلی ویژه‌ای است که در اجتهاد یا مقدمه‌ای بودن آنها در استنباط نقشی ندارند. وی گاه قلم به اعتراض می‌زند که چنین مباحث عقلی بیگانه‌ای در باب غرض این دانش طرح می‌شوند و ثمره علمی‌ای ندارند و مایه اطناب و

دراز‌گویی و ابهام می‌شوند و جوینده حقیقت را در رسیدن به اجتهاد صحیح و هدف اصلی، دچار سردرگمی می‌کنند.

باری، در دومین جلد این مجموعه، این محورها را مطالعه می‌کنیم: حجت‌های عقلانی، بنای عقلا در مبانی اصولی و حجت‌های عقلی و سرانجام حجت‌های شرعی، بررسی قواعد تعیین ظواهر الفاظ، بحث از مفهوم و منطوق، مسئله مشتق و نقش آن در مباحث اصولی و ...

در سومین جلد این مجموعه گران‌سنگ، نویسنده محترم این سخن مشهور را پیش می‌کشد که روش و عادت عالمان اصول آن است که مباحث الفاظ را از مباحث حجت‌ها و امارات جدا می‌کنند و کلاً مسائل این دانش را در سه محور بررسی می‌کنند: یک: الفاظ؛ دو: حجت‌ها و امارات؛ سه: اصول عملیه. مباحث تعادل و تراجیح را نیز خاتمه بحث می‌دانند.

اما نویسنده این روش را تغییر می‌دهد، زیرا قواعد اصولی را مجموعه‌ای از قواعد زمینه‌ساز تحصیل حجت می‌داند، لذا تمامی مسائل این دانش را بر اساس انواع حجت‌ها تقسیم می‌کند و بحث را با حجت‌های لفظی عقلانی می‌آغازد. مقصود مؤلف از حجت‌های عقلانی، تمامی اموری است که حجیت آنها در سیره عقلا و خردمندان قوم ثابت شده است.

به هر روی، در سومین جلد این مجموعه، این مباحث نیز طرح می‌شوند: اوامر شامل: صیغه امر و جمله‌های خبری در مقام انشا و ...، قواعد اصالت نفسیه و عینیه و تعیینیه، اقتضای امر، ترتب اجزاء، بدلیه (مبدل و مبدل منه)، احتیاج القضاء الی امر جدید، قواعد اقسام واجب، و ...

در جلد چهارم نیز در مسیر مطالب از این مسائل بحث می‌شود: نواهی، امتنان، عام و خاص، نسخ، حکومت و ورود.

یکی از روش‌های ارزشمندی که مؤلف در این اثر به کار برده و از آغاز تا پایان پایبند آن بوده است، به دست دادن موارد تطبیقی و مسائل فقهی، ناشی از قاعده مورد بحث است. به عبارت دیگر، مؤلف پس از تنقیح بحث و بیان قاعده به ذکر مسائل فقهی‌ای اقدام می‌کند که بر آن قاعده استوارند، و خواننده را به

طراوت و زیبایی بیشتر است. نمی‌گوییم که زبان حوزه تحت تأثیر درازنویسی‌های ژورنالیستی قرار گیرد، بلکه دست‌کم با زبان دوپست سال پیش ننویسند و به جای فربه کردن مباحث نحوی و صرفی و نبش قبر سیبویه و ابن‌مالک و دیگران، اندکی به زبان معیار روی بیاورند. آیا می‌توانید تصور کنید که این کتاب در کنار کتاب‌های دیگری که فلان عالم مصری یا سعودی، در همین موضوع اصول و فقه نوشته‌اند، قرار می‌گیرد و خواننده با دیدن تاریخ تألیف از خود می‌پرسد که پس چرا به زبان دیرینه عربی و روش سده‌های نخستین تألیف شده است؟ آدمی اگر می‌خواهد عربی بنویسد، باید فرزند زمان خویش باشد، نه مقلد عالمان قرون پیشین. بیایید باور کنیم که حوزه در نگارش عربی سخت بیمار و کهنه‌گراست و این فرایند، زمانی نمود بیشتری می‌یابد که با سایر آثار عربی مقایسه شود. دریغ از این همه غنای علمی و ژرفنمایی که به روز عرضه نمی‌شوند. اینجا دیگر نمی‌توان گفت: البلیه اذا عمّت طابت، بلکه دردناک‌تر می‌شود. کی باید به خود آمد؟

عبدالله امینی

● کتاب‌شناسی تفصیلی اسلام شیعی. رامین خان‌باغی، نیویورک: انتشارات علمی جهانی، لندن: انتشارات و توزیع الهدی، ۲۰۰۶م، وزیری، شومیز، ۹۷۲ص، انگلیسی.

SHI' ISAM: A COMPREHENSIVE BIBLIOGRAPHY. compiled by: Ramin Khanbagi, New York: Global Scholarly Publications and, London: Al-Hoda Publishers & Distributors, 2006, 972p.

این اثر ارزشمند، یک کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی جامع و تفصیلی به زبان انگلیسی برای مقالات و آثاری با موضوعات مرتبط با تشیع و شیعه است، که به زبان‌های بیگانه همچون: انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، روسی، ترکی استانبولی و ...، در ضمن نشریات خارجی در کشورهای مختلف تا سال ۲۰۰۳م منتشر شده است. همچنان که مؤلف محترم در مقدمه خویش هم عنوان کرده این آثار و مقالات عمدتاً شامل موضوعات

نوعی ورزش فکری و آموزد که این قاعده خشک اصولی، چگونه و در کجای فقه به کار رفته است و به تعبیر مؤلف، ثمره قاعده را بررسی می‌کند که این شیوه در خود تقدیر است.

نکته و روش دیگر وی، توجه به سیر تاریخی قاعده است. گاه یک مسئله و قاعده را در سیر زمان دنبال می‌کند و تولد و رشد آن را از گذشته تا به امروز به نمایش می‌گذارد؛ مثلاً قاعده ترتب، به گفته شیخ و محقق عراقی، محقق کرکی اولین کسی بود که این اندیشه را مطرح ساخت و پس از وی کاشف الغطاء و شاگرد برجسته اش شیخ محمدتقی اصفهانی در هدایة المسترشدين، مبانی آن را استحکام بخشیدند. پس از آن میرزای شیرازی از کاتبان قاعده را مستحکم‌تر کرد. سایر عالمان هم این قاعده را در تطبیق‌های فقهی خویش به کار بردند؛ هر چند امروز به نوعی اطناب و ابهام علمی برمی‌خوریم که محصول تورم اصولی است.

این کتاب می‌تواند بحث‌های علمی جدیدی را در روش‌شناختی اصول طرح کند و مایه تضارب آرای عالمان شود. آیا تقسیم‌بندی مؤلف بر اساس انواع حجت‌ها درست است؟ آیا شکستن روش کهن و روی آوردن به این روش جدید، تبعات ناخواسته‌ای ندارد؟ عالمان دین در گذر سده‌های طولانی، مسائل اصولی را در سه محور الفاظ و حجج و اصول عملیه طرح می‌کردند که تعادل و تراجم نیز مباحث تکمیلی و مؤخره‌ای بوده است. مؤلف این روش را در هم ریخته و بر پایه حجیت‌ها تقسیم‌بندی خود را طرح کرده است. سخن اینجاست که بر اساس متد علمی، آیا وی تمامی جوانب بحث را رعایت کرده است و می‌تواند در برابر پس‌لرزه‌های احتمالی مقاومت کند؟ و انبوهی سؤالات دیگر.

در کجا باید گفت که زبان معیار عربی حوزه علمیه قم آشفته و کهنه است؟ در روزگار کنونی زبان نیز به سان موجودی زنده، دچار دگرگونی و تغییر شده است و همواره و دمادم رو به



می‌شد و تنظیم الفبایی پدیدآوران هم در ذیل همان موضوع انجام می‌گرفت، علاوه بر دسترسی آسان پژوهشگران به موضوعات متعدد، اجتماع مقالات پراکنده هم موضوع در کنار هم، زمینه بهره‌گیری از آن را بیش تر فراهم می‌کرد.

۲. در پایان کتاب، جای کتابنامه منابع و مصادر مورد استفاده مؤلف، کاملاً خالی است؛ چنان‌که دانسته نیست، از فلان مجله چه شماره‌هایی و چه دوره‌هایی استفاده شده، محل انتشار نشریه مذکور کجاست و آیا مؤلف محترم به این مصادر و منابع، به نحو مستقیم رجوع کرده یا از مصادری همچون Index Islamicus بهره مستقیم برده است؟

۳. حال که مقالات از نظر موضوعی به صورت پراکنده و بر اساس پدیدآوران آنها تنظیم شده، چقدر مناسب و بجا بود، حداقل ترجمه فارسی عناوین مقالات، همراه عناوین لاتین آن می‌آمد، تا استفاده و بهره‌مندی پژوهشگران از آن سهولت انجام می‌گرفت و حتی اگر فهرست فارسی عناوین مقالات، در پایان کتاب هم می‌آمد، باز هم ارزش آن را دو چندان می‌کرد.

۴. در برخی موارد به نظر می‌رسد مؤلف محترم نگارش اصول کتاب‌شناسی را رعایت نکرده است؛ چنان‌که به عنوان مثال در مواردی نام پدیدآور تکرار می‌شود، در حالی که در چنین مواردی به تکرار نام پدیدآور لزوم ندارد (مانند ۱۱۰۷-۱۱۱۲ یا ۱۶۸۷-۱۷۳۵).

۵. در برخی موارد عناوینی از مقالات به چشم می‌خورد که ارتباط آن با تشیع مورد ابهام است (مانند ۶۳۶ و ۲۸۳۰).

۶. گاهی عناوین بدون اینکه فایده‌ای بر آن متصور باشد، تکرار شده‌اند (مانند ۱۱۰۷ و ۱۱۱۱).

۷. تردیدی نیست که آوردن تنها شش مقاله به زبان روسی (۳۹۵۳-۳۹۵۸)، دلیلی بر این نمی‌تواند باشد که مقالات منتشر شده مرتبط با تشیع و شیعه در زبان روسی همین مقدار اندک است! لذا به نظر می‌رسد دلیلی ندارد که مؤلف محترم همین چند مورد را، آن هم با املایی مغلوط و حروفی چسبیده به هم در این کتاب‌شناسی درج کند!

۸. مؤلف محترم جا داشت در مقدمه اثر خویش قلمرو

تاریخی، روایی، فقهی، فلسفی، عرفانی، کلامی و مسائل سیاسی-اجتماعی است و به طور کلی هر آنچه از مقالات که به نوعی با شیعه و تشیع مرتبط بوده، در این کتاب‌شناسی آمده است. در این اثر، علاوه بر درج آثاری درباره امامیه (شیعه اثنی عشری)، از فرق دیگر شیعی همچون: اسماعیلیان (۱۷۰۹، ۱۷۱۳، ۱۶۸۷-۱۷۳۵ و ۲۷۴۶-۲۷۷۱)، زیدیان (۳۵۱۱ و ۳۹۶۷) و نیز متصوفه با گرایش شیعی مانند: بکتاشیه (۷۴۶، ۱۱۶۳، ۱۳۳۹، ۱۷۹۷ و ۳۲۶۳)، اهل حق (۱۰۰۱) و ... مقالاتی آورده شده است.

این کتاب‌شناسی مشتمل بر ۴۰۴۳ عنوان مقاله و کتاب (ص ۷-۷۸۲) منتشر شده تا سال ۲۰۰۳ م است که ۳۹۶۱ مقاله آن از سوی حدود ۲۵۰۰ نویسنده نگارش یافته و تعداد ۸۲ مقاله (۳۹۵۹-۴۰۴۳) هم نام نگارندگان آنها مشخص نیست. این اثر بر اساس ترتیب الفبایی نام پدیدآوران مقالات تنظیم شده و سپس عنوان مقاله‌ها یا کتاب با فونتی پر رنگ (بولد) نگارش یافته و پس از آن چنان‌که عنوان مذکور، مقاله باشد، به ترتیب نام منبع (نشریه)، شماره و دوره، سال چاپ و صفحه‌های آن در میان منبع مذکور درج شده است (مانند ۳۶۹۲) و در پاره‌ای موارد هم محل انتشار نشریه‌ها و مجلات آمده است و چنان‌که عنوان یاد شده، نام کتابی مستقل باشد، بعد از عنوان کتاب، به ترتیب محل نشر، نشر و سال چاپ کتاب آمده است (مانند ۳۵۰۲) و همچنین اگر عنوان مذکور بخشی از کتابی بوده باشد، بعد از عنوان پر رنگ مطلب، کلمه in آمده و سپس درون « » نام منبع و شماره جلد، محل انتشار، ناشر، احیاناً سال چاپ و صفحه مورد نظر درج شده است (مانند ۳۴۹۶). در پایان این اثر ۹۷۲ صفحه‌ای، دو راهنما (Index): راهنمای عنوان مقالات و کتاب‌ها (ص ۷۸۳-۹۳۰) و راهنمای پدیدآوران (ص ۹۳۱-۹۷۲) هم آمده است.

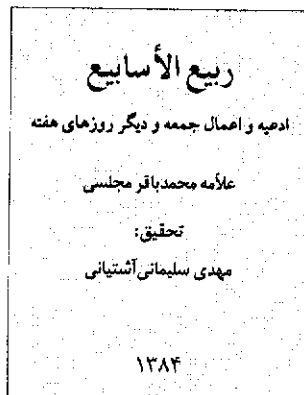
نکاتی چند به نظر می‌رسد که برخی را اگر مؤلف محترم رعایت می‌کرد، شاید استفاده علمی از این منبع سرشار، به نحو مفیدتر و دقیق‌تری صورت می‌گرفت:

۱. اگر این مقالات و آثار بر اساس موضوع دقیق آنها تنظیم

اسلامی، در همین سطح هم، بسیار مغتنم و ارزشمند است و امید که نگارنده تلاشگر این اثر در چاپ و ویرایش های بعدی این اثر، نقایص آن را برطرف کند.

حسین متقی

ربیع الأسابیع (ادعیه و اعمال جمعه و دیگر روزهای هفته). علامه محمدباقر مجلسی (۱۱۱۰ق)، تحقیق: مهدی سلیمانی آشتیانی، ویراستار: قاسم شیرجعفری، نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۴.



علامه ملاً محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق) از بزرگ ترین دانشمندان اسلامی است که با همّت عالی و اقدامات نیکش، مذهب تشیع در سراسر این کشور، به اوج رواج و انتشار رسید و برکات و اثرات شگرفی در نهاد خاص و عام بر جای گذاشت. شیخ حرّ عاملی، اردبیلی صاحب جامع الرواة، آقا احمد کرمانشاهی و محمدحسین خاتون آبادی در سطوری که می آوریم، او را این گونه ستوده اند:

«عالم فاضل ماهر، محقق مدقق، علامه فهامه، فقیه متکلم، محدث ثقه، جامع همه خوبی ها و فضایل»، «و حید عصر و یگانه زمان خود بود، علمش بسیار، و تصانیفش نیکو است. شخصیت وی از نظر علو قدر و بزرگی شأن و مقام عالی و تجرّش در علوم عقلی و نقلی و دقت نظر و رأی صائب و وثاقت و امانت در نقل مطالب و عدالت، مشهورتر از آن است که گفته شود و مافوق آن است که در عبارت بگنجد»، «اگر بخواهم ذره ای از آفتاب مکرمت و فضیلت و جامعیت و حالات و کرامات و مجاهدات و ضبط اوقات و طور معاش و مکارم

زبانی، منطقه ای، تاریخی و منابع پژوهشی خویش را بیان می داشت. در این اثر به عنوان نمونه به ندرت می توان مقاله ای به زبان ترکی استانبولی یافت (مانند ۶۳۶)؛ در صورتی که به یقین می توان هزاران مقاله مرتبط با تشیع، فقط با استفاده از فهرست مقالات نشریات ترکیه- که تاکنون ده ها جلد از آن در ترکیه منتشر شده- استخراج و ذیل آثاری شبیه به این کتاب شناسی معرفی کرد.

۹. ناشر و محل نشر این اثر دقیقاً مشخص نیست! چرا که بر روی جلد ناشر کتاب، به صورت Global Scholarly Publication انتشارات علمی جهانی ذکر شده که نشان می دهد در نیویورک در ایالات متحده انتشار یافته است، لیکن در درون اثر، ناشر مذکور به عنوان توزیع کننده Distributed اثر معرفی شده است و این در حالی است که در صفحه سوم اثر، از AlHoda Publishers & Distributors انتشارات الهدی به عنوان ناشر و توزیع کننده کتاب یاد شده که تحت اشراف سازمان ارتباطات و فرهنگ اسلامی Islamic Culture & Relations Organization در لندن در انگلستان منتشر شده است!

۱۰. نکته نهایی اینکه جا داشت مؤلف در آغاز کتاب، راهنمایی برای آوانگاری و علائم اختصاری به کار رفته در کتاب می آورد. از اینها گذشته، علائم و آوانگاری ها به کار رفته هم، نه یک دست است و نه استاندارد! برای نمونه، در برخی موارد از رفرنس ها برای تعیین جلد یا شماره از اعداد رومی I و II و III و IV و ... و در برخی دیگر از اعداد ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ... حتی در بعضی ارجاع ها هم از i, ii, iii با حروف کوچک استفاده کرده است. مؤلف محترم همچنین در ذیل برخی مقالات از توضیحات دیگری هم بهره برده و آن را داخل قلاب [] قرار داده است که دقیقاً مشخص نیست منظور از داخل قلاب گذاشتن عبارات چه بوده است.

به هر تقدیر، این اثر در نوع خود کم نظیر است و تردیدی نیست اگر از منابع مختلف بیشتری می آمد و مباحث نیز به صورت موضوعی تنظیم می یافت، ارزش آن دو چندان می گردید؛ هر چند که انتشار این نوع آثار در حوزه اطلاع رسانی مطالعات

اخلاق آن زبده آفاق را شرح دهم، کتابی مبسوط گردد»، «وی از همه اعظام فقها و افانخ محدثین و علمای ما برتر و بزرگ تر و در فنون فقه و تفسیر و حدیث و رجال و اصول عقاید و اصول فقه، سرآمد تمامی فضلائی روزگار [بود] و بر کلیه علمای مشهور ما، تقدم داشت».

کتاب حاضر

علامه مجلسی در ادعیه و اعمال، آثاری از خود به جای گذاشته است که زاد المعاد، مقياس المصایب و تحفة الزائر از مهم ترین آنها به شمار می روند. او ربیع الأسابیع را مخصوص آداب، ادعیه و اعمال مربوط به شب و روز جمعه تألیف و جمع آوری کرده است.

قبل از او احمد بن عبداللّه بن احمد الرّقاء، معاصر ابوالعباس نجاشی (م ۴۵۰ق)، و خود نجاشی، کتاب الجمعة داشته اند که ظاهراً در اعمال و آداب جمعه است. کتاب العروس، از ابو محمد جعفر بن احمد قمی (قرن ۴ق) و خصائص الجمعة از شیهد ثانی (م ۹۶۶ق) در همین موضوع است.

بعد از مجلسی نیز آثاری در این زمینه به نگارش درآمده است که برخی از آنها عبارت اند از:

۱. اللّمة فی اعمال الجمعة، سید مهدی بن ابوالقاسم اسفرائینی (قرن ۱۲ق)؛
۲. أدب الجمعة و الجماعة، نورالدین اخباری (قرن ۱۲ق)؛
۳. أسرار المودعة فی أعمال يوم الجمعة، سید مصطفی حسینی کاظمی (ح ۱۳۳۶ق)؛
۴. أعمال الجمعة، سید حسن یزدی اشکذری (قرن ۱۴ق)؛
۵. زینة الأعیاد و فرحة العباد، احمد شکرین حسین جباوی نجفی (زنده در ۱۲۸۶ق)؛
۶. أبواب الجنات فی آداب الجمعات، محمد تقی موسوی اصفهانی (م ۱۳۴۸ق) مؤلف مکمال المکارم.

اثر اخیر مفصل ترین کتاب های یاد شده است.

اما ربیع الأسابیع به جهت علو مقام مؤلف و گردآوری نیکو، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. علامه مجلسی این کتاب را در چهارده فصل و یک خاتمه تدوین کرده و در شب جمعه

بیست و دوم جمادی الأوّل ۱۰۹۹ ق آن را به پایان رسانده است. وجود ۳۵ نسخه خطی از این کتاب در گنجینه دست نوشت های خطی کشور، نشان اهمیت کتاب و اقبال عمومی به آن است. بنا به نوشته محقق، اثر حاضر با استفاده از دو نسخه خطی آماده شده است:

۱. نسخه الف به شماره ۳۸۴۰ موجود در مرکز احیاء میراث اسلامی:

این نسخه که تاریخ پایان آن، ۱۳ جمادی الأوّل ۱۱۵۴ ق در اصفهان و به قلم محمد رفیع بن محمد اشرف طباطبایی است. نسخه همچنین دارای تملک حیدرقلی خان سردار کابلی به تاریخ ۱۴ رجب ۱۳۱۴ ق است و قبلاً در کتابخانه محدث ارغوی بوده است.

۲. نسخه ب به شماره ۹۰۶۲ موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی: این نسخه نزدیک عصر مؤلف، کتابت شده و دارای خط نسخ خواناست، ولی کاتب آن مشخص نیست.

نسخه اوّل، به جهت دقت و صحت، اساس کار قرار گرفته. و نکات احتمالی آن با نسخه دوم مقابله شده و همه ادعیه، با متون اولیه آنها کنترل شده است. در چند کتابی که علامه، از آنها نقل کرده و تاکنون به چاپ نرسیده نیز به نسخه خطی آنها رجوع شده است. در مواردی که نسخه ها با کتبی که مجلسی از آنها نقل کرده، تفاوت زیادی داشته، در پاورقی تذکر داده شده و یا داخل قلاب اصلاح گردیده است.

از آنجا که ربیع الأسابیع، جزء منابع اصلی ادعیه به حساب نمی آید، آوردن اختلاف نسخه ها، به صورت گسترده، ضرورتی ندارد و بدیهی است برای کار علمی روی ادعیه نقل شده در این کتاب، باید به مصادر مراجعه کرد.

همه روایات به منابع آنها ارجاع داده شده است و محقق اختلافات اندک احتمالی را تذکر داده است. نکته قابل دقت در نقل مجلسی، ترجمه دقیق و بدون کم و کاست احادیث، از سوی آن دانش مرد بزرگ است؛ به صورتی که کمترین نکته در متن حدیث، در ترجمه آن منعکس شده و ترجمه، دقیقاً مطابق با روایت است.

فهرست مطالب کتاب، بعد از مقدمه مختصر محقق، به این شرح است:

فصل اول: در فضیلت شب جمعه و روز جمعه است؛

فصل دوم: در بیان اعمال شب جمعه است؛

فصل سوم: در بیان بعضی از اعمال روز جمعه است، از
تنظیف و بوی خوش و امثال آن؛

فصل چهارم: در بیان فضیلت تصدق و سایر مستحبات روز
جمعه است؛

فصل پنجم: در بیان امری چند است که در روز جمعه از آنها
احتراز باید نمود؛

فصل ششم: در فضیلت صلوات بر محمد و آل محمد، و
کیفیت آن فضل و کیفیت زیارات ایشان(ع) و سایر مؤمنان؛

فصل هفتم: در بیان فضل سوره‌هایی که سنت است در روز
جمعه بخوانند؛

فصل هشتم: در بیان دعاها و نمازهای روز جمعه است از
نماز صبح تا زوال؛

فصل نهم: در بیان نافله جمعه است؛

فصل دهم: در بیان نماز و دعا‌های حاجت که مخصوص
روز جمعه اند؛

فصل یازدهم: در بیان اعمالی چند که اختصاص به روز
جمعه ندارد و در روز جمعه انجام دادن آنها افضل است؛

فصل دوازدهم: در بیان ادعیه زوال جمعه و آداب توجه به
نماز جمعه و دعا‌های آن و ادعیه و نمازها که بعد از نماز جمعه
مستحب است؛

فصل سیزدهم: در بیان اعمال بعد از نماز عصر روز جمعه
است تا آخر روز؛

فصل چهاردهم: در بیان دعا‌های هفته و اعمال سایر هفته
است؛

خاتمه: در بیان قلبی از فضایل نماز جمعه و بعضی از امور متفرقه.

چند نکته

۱. مناسب بود این مجموعه با زیرنویس ترجمه فارسی به
چاپ می‌رسید.

۲. برخی پاورقی‌ها و ارجاعات هماهنگی را ندارد و در یک
به دو چاپ از یک کتاب ارجاع داده شده است. اگر چه تذکر

داده اند ولی یکسان شدن این موارد بهتر بود.

۳. روی جلد نوشته شده: «اثری منتشر نشده از علامه

مجلسی». این سخن از جهتی صحیح و از جهتی اشتباه

است. ربیع‌الآسابع در سال ۱۳۱۲ ق در تهران به صورت سنگی

چاپ شده است. بدین جهت، می‌توان گفت، منتشر شده

است. ولی از آنجا که تاکنون به صورت حروف چینی و محقق به

سبک جدید در طول بیش از یک قرن پس از چاپ سنگی، چاپ

نشده بود، می‌توان آن را منتشر نشده به حساب آورد. محقق

گرامی در مقدمه اشاره‌ای به چاپ سنگی کتاب، نکرده است (برای

آگاهی از چاپ ر. ک: مشار فارسی، ج ۲، ص ۲۵۲۸).

محمدحسین موسوی

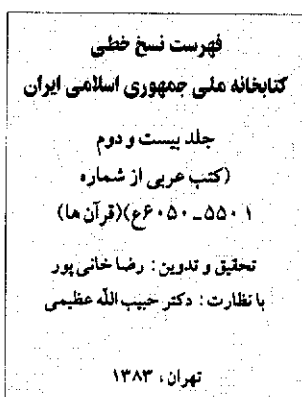
فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران،

ج ۲۲. (کتب عربی از شماره ۵۵۰۱-۶۰۵۰) (قرآن‌ها)،

تحقیق و تدوین: رضا خانی‌پور با نظارت دکتر حبیب‌الله

عظیمی، تهران، انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی

جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳.



آخرین جلد از فهرست‌های منتشر شده کتابخانه ملی هم در آمد

که قرآن‌های آن کتابخانه را (از شماره ۵۵۰۱ تا ۶۰۵۰ عربی) در

بر می‌گیرد.

بر روی جلد کتاب، کار فهرست نگار آمده که احتمالاً

می‌توان تدوین را همان فهرست نگاری دانست. اما این نگارنده

نشانی از تحقیق در آن ندید. تدقیق و کتاب‌شناسی که وظیفه

فهرست نگار است، پس چه تحقیقی جدا از فهرست نگاری

انجام داده است؟ در ادامه، نمونه‌های تحقیق را خواهیم دید.
مسئله «نظارت بر فهرست نویسی» هم از رسومی است که به تازگی فراگیر شده و بسیار قابل توجه و پیگیری است. وقتی نام ناظر بر جلد کتاب می‌آید، چه کاری را می‌توان به او منسوب کرد و چه مسئولیتی در قبال صحت و سقم مطالب کتاب دارد؟ آیا منظور ناظر چاپ است یا ناظر کیفی، یا ویراستار ادبی یا ویراستار علمی؟ آیا فهرست نویس، بالغ و کارشناس نیست که نیاز به نظارت دارد، آیا این نظارت هم استصوابی است، یا ارشادی، یا اداری، یا ...؟ این هم باید شکافته شود.

ظاهراً فهرست نگار هنر دوست ما، آن قدر گرفتار ظواهر هنری نسخه‌ها شده که کوچک‌ترین خط و خال یار را دیده، اما پر کردن یکسان کاربرگه‌ها را ضروری ندانسته است.

در بررسی این فهرست، چندین مورد بی‌احتیاطی، بی‌روشی، چندگونه‌نویسی، و ... وجود دارد که اگر از فهرست نویس سر می‌زد باز هم بعید بود، اما انتظار نداشتیم از چشم ناظر هم پنهان بماند. نشانی نسخه‌ها را در میان کمان می‌گذاریم، مانند (۵۵۵۹).

بیشتر قرآن‌ها یک جلدی‌اند، اما چهار مجموعه سی جزئی و ۱۲۰ حزبی نیز در آن دیده می‌شود. اصلاً بیابیم از همین مجموعه‌های ۱۲۰ حزبی شروع کنیم:

مجموعه ۱۲۰ حزبی (۵۶۸۳-۵۸۰۲) که یک خط و یک کاغذ و یک نویسنده و ... دارد، به این ترتیب معرفی شده‌اند:

جزو ۲۹، حزب ۲ (۵۶۸۳)

جزو ۲۵، حزب ۳ (۵۶۸۴)

جزو ۱۷، حزب ۲ (۵۶۸۵)

جزو ۱۵، حزب ۳ (۵۶۸۶)

چگونه نمی‌توان سی جزء و ۱۲۰ حزب را به ترتیب قرار داد و فهرست نویسی کرد؟ آیا به همین ترتیب به مالکیت کتابخانه ملی در آمده‌اند؟ کاش فهرست نویس برای ما توضیح دهد.

کاتب همین مجموعه حسن بن خلیل تاجر خوئی است. بهتر است نام‌های او را در آغاز فهرست ۱۲۰ حزب ببینیم:

- حسن بن خلیل تاجر

- حسن بن خلیل تاجر - ۱۳۳۶ ق

- حسن بن خلیل تاجر - ۱۳۴۰ ق

- حسن بن خلیل تاجر - ۱۳۳۷ ق

- حسن بن خلیل تاجر - ۱۳۴۱ ق

- حسن بن خلیل تاجر - ۱۳۳۸ ق

- حسن بن خلیل تاجر خوئی - ۱۳۴۱ ق

- حسن بن خلیل تاجر خوئی - ۱۳۳۷ ق

- حسن بن خلیل خوئی - ۱۳۳۷ ق

- حسن بن خلیل خوئی - ۱۳۳۸ ق

انگار نه انگار که این کتاب‌ها را یک نفر فهرست کرده است. آیا نمی‌شد یک بار مجموعه را معرفی و تنها موارد اختلافی را ذکر می‌کرد؟ آیا علت این نیست که در این حالت فهرست نویس ۱۲۰ نسخه فهرست کرده و حق الزحمه گرفته است، ولی در آن حالت تنها یک مورد به پای او می‌نوشتند و حجم کتاب به دو سوم حجم حاضر کاهش می‌یافت؟ اینها از مواردی است که کیفیت فدای کمیت می‌گردد. مجموعه‌های معرفی شده دیگر هم بهتر از این نیست.

گفتیم که فهرست نویس هنر دوست ما به کوچک‌ترین نکات هنری نسخه‌ها توجه داشته است؛ مثلاً در پایان آیه‌ها علامت‌هایی برای جدایی یا خاتمه آیات آمده‌اند. از جمله «گل‌های چهار پر»، که به صورت‌های زیر توصیف شده‌اند:

- ختم آیات به گل‌های چهار پر است (۵۷۶۷)

- ختم آیات با گل‌های چهار پر ساده ... است (۵۷۰۹)

- ختم آیات با گل‌های چهار پر ساده مشخص شده‌اند (۵۶۹۹)

- ختم آیات با گل‌های چهار پر ساده‌ترین شده‌اند (۵۶۸۳)

- ختم آیات با گل‌های چهار پر ساده‌ترین شده‌اند (۵۶۸۸)

- ختم آیات با گل‌های چهار پر ساده آراسته شده‌اند (۵۶۸۴)

- ختم آیات با گل‌های چهار پر ساده آراسته شده‌اند (۵۷۴۹)

- ختم آیات با گل‌های چهار پر ساده آراسته گردیده‌اند (۵۶۸۳)

- ختم آیات با گل‌های چهار پر ساده مزین می‌باشد (۵۶۹۶)

- ختم آیات با گل‌های چهار پر ساده مشخص شده‌اند (۹۸۸۳)

- ختم آیات با گل‌های چهار پر ریز آراسته شده‌اند (۵۷۷۷)

- ختم آیات آراسته به گل‌های چهار پر ساده است (۵۷۵۰)

- ختم آیات مزین با گل‌های چهار پر ساده مشخص است (۵۷۴۷)

مانند: «ابن خلیل تاجر، حسن» در معرفی قرآن ۵۵۴۳ آمده: «متأسفانه بخشی از ترقیمه آن افتادگی دارد».

هر چند معلوم نیست چه چیزهایی از ترقیمه حذف شده، اما آنچه از ترقیمه به جای مانده، نه تنها به صراحت ذکر نشده، بلکه در فهرست نیز از آن استفاده نشده است. وقتی در برگه فهرست نویسی این قرآن، نه نام کاتب دارد، نه نام مهدی الیه، نه محل کتابت، نه تاریخ کتابت، نه ...، پس کجای آن ترقیمه سالم است؟ بهتر بود بنویسند: «بخش عمده ترقیمه افتادگی دارد!»

در ابتدا درباره «تحقیق» فهرست نگار گفته شد. نمونه اش اینکه در شرح ملاحسین واعظ کاشفی (۵۶۳۱)، حتی تاریخ تولد و وفات او نیامده و مشخص نمی شود که این کدام یک از شروح معروف ملاحسین واعظ کاشفی هست و آیا از شروح او است یا نه؟ اصلاً نمی دانم که فهرست نگار متوجه شده که حسین واعظ کاشفی، همان نویسنده و شارح و مترجم نامدار سده نهم و دهم هجری است یا نه؟

اما از نمایه های کتاب نگو و نپرس. کتاب تنها دو نمایه دارد:
۱. نمایه موضوعی: که بر اساس سر عنوان های موضوعی آمده است.

۲. نمایه کاتب: که به صورت نوینی الفبایی شده است: «الف-ب-ت-ح-خ-ق-د-ر-س-ط-ع-و-ل-م-ن-ه-؟!!»
در داخل همین حروف نیز رعایت ترتیب الفبا نشده؛ مانند: «حسن» پس از «حسین». خیلی جالب تر از همه: «علوی» در خ، «نیریزی» در ع، «وقار شیرازی» در ن، «خوانساری» در ت، «خوشنویس» در ت، «خرافی» «خرافی؟» در ت؟
ارجاع نام ها به یکدیگر را نیز ندارد.

نام کاتبانی که نمی یابیم: کاتب نسخه ۶۰۲۶ و ۲۷۶۰ نام کاتبی که با متن نمی خواند:

متن «رضی حسینی رودسری ۱۰۹۵ ق»

نمایه «حسینی رودسری، رضی، قرن ۱۳»
بیشتر کاغذ افزای نمی شود.

بامداد کتابچی

- ختم آیات با گلهای چهار پر کوچک مزین شده است (۴۵۵۷)

- ختم آیات مزین به گلهای کوچک است (۵۷۷۰)

- ختم آیات مزین به دواپر کوچک چهار پر است (۵۷۲۰)؟!

- ختم آیات مزین به گلهای چهار پر ساده است (۵۶۸۷)

- ختم آیات مزین به گلهای چهار پر است (۵۶۸۵)

- ختم آیات مزین به گلهای چهار پر ساده است (۵۶۸۷)

- فواصل آیات آراسته به گلهای چهار پر است (۵۷۷۰)

- فواصل آیات مزین به گلهای چهار پر ساده است (۵۶۹۵)

باور نکردنی است. حتماً این تفاوت ها در کاربرد نیز تدارک شده اند.

بعضی کتاب ها یک شماره پیشین دارند. بعضی اهدایی اند و نام اهدا کننده را دارند (۵۹۴۳) که بسیار سنت پسندیده ای است. بعضی اهدایی اند و نام اهدا کننده نیامده (۵۶۹۱) که جای تأسف دارد. اما جالب آنکه بعضی کتاب ها نام فروشنده را هم دارند که هم پول کتاب را گرفته و هم نامش در فهرست ثبت شده است. بعضی هم متعلق به مجموعه افرادی بوده که معلوم نیست این کتاب ها اهدا شده اند یا خریداری، مصادره شده اند یا سرقت، منتقل شده اند یا یافته، ... (۶۰۳۸). و بیشتر کتاب ها نیز شماره پیشین ندارند و حتماً بدون اجازه وارد مخزن شده اند. اجزا و احزاب قرآن، «برگزیده» شمرده شده اند! حتی کتاب چاپ سنگی تذهیب شده قرآن (۵۵۹۳) نیز در این فهرست آمده است:

«قرآنی تقریباً کامل» (۵۵۲۵)؟

«قرآنی کامل که در پایان افتادگی دارد» (۵۵۵۴)؟

«قرآنی کامل که هم اکنون از ابتدای سوره مبارکه مریم تا اواسط آیه دهم سوره مبارکه فتح را شامل می شود و مابقی اوراق مفقود است» (۵۵۵۱)؟ نمونه تحقیق!

«این نسخه قبلاً کامل بوده و بعدها اوراق اول و آخر آن مفقود و سپس مجدداً صحافی و تجلید شده است» (۵۵۰۹). این هم از موارد تحقیق فهرست نویس است.

بعضی ها موضوع و شناسه افزوده دارند و بعضی ندارند.

بعضی نمایه سازی ها ظاهراً با هیچ استنادی تطبیق ندارد؛

